

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۰۶ - یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۶، ۶ آگوست ۲۰۱۷

مصطفی هجری
به مناسبت در گذشت
کریس کوچرا
پیام تسلیتی منتشر کرد

۵

بیش از ۴۰ درصد
روستاهای استان کرمانشان
فاقد آب آشامیدنی
سالم هستند

۳

دامنه‌ی تحریم‌ها علیه
رژیم اسلامی ایران
افزایش یافت

۲



یک فعال سیاسی-اجتماعی
کرمانشانی در گفتگوی
اختصاصی با کوردستان:

۷



دکتر منصور سهرابی
در مصاحبه با کوردستان:

۵



اراده معطوف به مقابله
با سرکوب
(تفسیر رویکرد از مقاومت به مقابله)

۴



پیام تبریک دبیر کل
حزب دمکرات کوردستان ایران
به رهبر جدید جنبش "تغییر"

۲

سفن

دوست و یاور
مبارزه‌ای

کریم پرویزی

طی روزهای اخیر، روزنامه‌نگار و محقق شهر تاریخ، کریس کوچرا، رخت از جهان ما بریست و این واقعه‌ی تلخ نه تنها خانواده این عالم را داغدار کرد بلکه مردمان ملت دیگری را نیز در غم و اندوه فرو برد. همه انسان‌ها به هر نحو که باشد زندگی و مراحل مختلف آنرا سپری می‌کنند. جریانی که طی آن میلیون‌ها نفر به این وادی پا گذاشته‌اند و رفته‌اند و در این رهگذر نیز هر فردی با آرزوها و رویاها مختص به خود به زندگی ادامه می‌دهد و به مانند انسان شاید تفاوت چندانی مابین زندگی اشخاص یافت نشود و شبیه به هم باشند. بدین معنا که او در مقطعی، زندگی را آغاز می‌کند با مجموعه‌ای از وقایع و برخی از رویدادها مواجه می‌شود و سرانجام در مقطعی دیگر چشم از جهان فرو می‌بندد. اما در میان این میلیون‌ها زندگی و مرگ، کسانی یا بر روی این کره‌ی خاکی می‌گذارند که شیوه‌ی زندگی خاص و ویژه‌ای را برمی‌گزینند و به شهری فراگیر دست می‌یابند که نه تنها معاصران او بلکه آیندگان نیز یاد و خاطره‌اش را گرامی می‌دارند. اینان مردمانی هستند که تن به یکنواختی زندگی ندهادند و با مخاطرات متعدد روبرو می‌شوند یا با ابداعات خود دریچه‌ای تازه به روی دنیای انسانیت می‌گشایند و یا به هزاران نفر حیاتی نو می‌بخشند. در میان این مردمان هستند کسانی همچون کریس کوچرا که هم مرزهای محدود زندگی را می‌شکنند و هم مرزهای میان ملت‌ها را. انسان‌هایی که با نبودشان ملت دیگری را در غم و اندوه فرو می‌برند تا بگویند: دوست و یاور ملت‌مان چشم از جهان فرو بست. زندگی کوچرا، دوست و یاور کورد، چنان بود که ندا و فریاد ملت کورد را به گوش جهانیان رساند و به ثبت آن در صفحات تاریخ پرداخت به همین خاطر ملت کورد از فراق چنین یار و دوستی غمگین و داغدار است. از سوی دیگر زندگی و دوستی کریس کوچرا بعد مهم دیگری نیز دارد که نمی‌توان به آن اشاره نکرد و آن تلاش افرادی است که بی‌وقفه در پی آن بوده‌اند که کسانی چون کوچرا را به دوست و یاور ملت کورد بدل کنند.

ادامه در صفحه‌ی ۲

سپاه پاسداران،

در راس مراکز تروریستی جهان قرار دارد

بعد از تصویب طرح تحریم‌های جدید علیه ایران از سوی کنگره‌ی آمریکا، دونالد ترامپ آنرا امضا کرد تا بدین طریق طرح مذکور لازم‌الاجرا شود. بنابر گزارش خبرگزاری‌ها، تحریم‌های تازه علیه جمهوری اسلامی ایران بعد از بررسی از سوی جمهوری‌خواهان و دمکرات‌ها، با اکثریت قاطع رای در کنگره‌ی آمریکابه تصویب رسید و با امضای رئیس‌جمهوری این کشور لازم‌الاجرا گردید. روز چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۶ شمسی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، بخاطر آنچه که او "اتحاد ملی" خواند، طرح تحریم ایران، روسیه و کره‌ی شمالی را امضا کرد و بدین طریق طرح مذکور وارد فاز اجرایی شد. در این طرح که در حال حاضر جنبه‌ی حقوقی و قانونی دارد، افراد و سازمان‌های حقیقی و حقوقی که به نقض تحریم‌ها به ویژه در زمینه فروش تسلیحات نظامی به ایران متهم می‌شوند یا در زمینه‌ی نقض حقوق بشر و سرکوب فعالین سیاسی و اقلیت‌های ملی و مذهبی فعال‌اند، در چارچوب تحریم‌ها آمریکا قرار می‌گیرند. بنابر اخبار بعد از امضای و اجرائی شدن این قانون، رئیس‌جمهور آمریکا ملزم است طی ۹۰ روز تحریم‌هایی علیه سپاه پاسداران، مسئولین آن، نمایندگان و آنانی که در خارج از ایران عامل سپاه هستند تعیین کند. بنابر این قانون دادگاه‌های آمریکا نیز قادرند ملک و دارائی‌های آنانی را که با برنامه‌های موشکی ایران در ارتباطند یا در نقض حقوق بشر دست دارند، ضبط کنند. این در حالی‌ست که رژیم ایران به این تحریم‌ها به تندیواکنش‌های نشان داده و به تهدیدآمریکا پرداخته است. در همین ارتباط فرمانده سپاه تروریستی پاسداران خطاب به آمریکا هشدار داده بود که اگر این کشور تحریم‌های جدید علیه ایران را تصویب کند تمام پایگاه‌های نظامی خود را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد و مجبور می‌شود این پایگاه‌ها را تا فاصله‌ی هزار کیلومتری از مرزهای ایران عقب ببرد. همچنین حسن روحانی رئیس‌جمهور رژیم، این تحریم‌ها را واکنشی در مقابل گسترش نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی در منطقه خواند. از سوی دیگر عباس عراقچی، معاون وزیر خارجه‌ی ایران، روز ۵شنبه ۱۲ مرداد، بعد از امضای این طرح و قانونی شدن آن، آمریکا را به نقض جدی برجام متهم کرد و گفت: جمهوری اسلامی انتقام خود را از آمریکا خواهد گرفت. او در ادامه افزود: ما بر این باوریم که تحریم برنامه‌های موشکی سپاه نقض توافقات بین‌المللی است و ما در زمان مناسب انتقام این کار را خواهیم گرفت. در همین رابطه، "کاترین ری" سخنگوی مسئول سیاست خارجه‌ی اتحادیه اروپا اعلام کرد که تحریم‌های جدید آمریکا هیچ ارتباطی

پیام تبریک دبیر کل حزب دمکرات کوردستان ایران به رهبر جدید جنبش "تغییر"



مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران، طی پیامی انتخاب رهبر جدید حزب "تغییر" را به او تبریک گفت.

متن کامل پیام:

آقای عمر سید علی

رهبر جنبش تغییر

با سلام و احترام فراوان انتخاب شما را به عنوان رهبر جدید جنبش تغییر، تبریک می‌گوئیم و امیدواریم که در انجام وظایفتان موفق و سربلند باشید. ما هم به مانند تمام مردم میهن‌دوست کوردستان متوقعیم که از این سمت مهم در راستای اتحاد و انساجم صفوف کورد در کوردستان عراق و حل مشکلات و بحران‌های که این بخش از کوردستان دچار آن شده است، بهره ببرید. در این شرایط که کوردستان

بسوی همه‌پرسی برای تعیین سرنوشت خود گام برمی‌دارد و دشمنان ملتمان در حال توطئه‌چینی برای از بین بردن چنین فرصت تاریخی هستند، جنبش تغییر با مدیریت شما و سایر همراهان‌تان می‌تواند تاثیر بسزائی در این امر داشته باشد. امیدواریم که در این مقطع تاریخی و حساس با آگاهی کامل در راستای منافع ملی گام بردارید. بار دیگر انتخاب شما را به این سمت، به شما و جنبش تغییر تبریک می‌گوئیم.

حزب دمکرات کوردستان ایرن
دبیرکل
مصطفی هجری

۴ مردادماه ۱۳۹۶ شمسی
۲۷ ژوئیه ۲۰۱۷ میلادی

غربی این آزمایش موشکی را برخلاف قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل دانسته و از ایران خواستند که فعالیت‌های نظامی خود را متوقف کرده و بر این باورند که آزمایش این موشک ماهواره‌ای در راستای توسعه برنامه‌های موشک بالستیک دور برد است. از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی، آزمایشات موشکی را حق خود دانسته و اعلام کرده‌اند که این آزمایش در راستای فعالیت‌های هسته‌ای نیست، اما کشورهای غربی بر این باورند که موشک مذکور توانایی حمل کلاهک هسته‌ای را داراست.

یک روز پس از پرتاب ماهواره به فضا از سوی ایران، شش شرکت ایرانی که در ساخت این موشک همکاری داشته‌اند به نام‌های: "صنایع کریمی، رستگار، چراغی، ورامینی، کلهر و امیرالمومنین" که همه آنها زیر مجموعه شرکت "صنایع همت" به حساب می‌آیند، به لیست تحریم‌های وزارت خزانه‌داری افزوده شدند. به گفته‌ی وزارت خزانه‌داری آمریکا، پرتاب این موشک ماهواره‌ای به نام "سیمرغ" حرکتی تحریک‌آمیز است و رژیم جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی برای خاورمیانه دانست. این در حالیست که کشورهای

برنامه‌های نظامی و موشکی رژیم ایران و نقض ممتد عهدنامه‌های بین‌المللی در این رابطه از سوی رژیم مذکور، موجب تصویب تحریم‌های جدیدی علیه ایران شد. وزارت خزانه‌داری آمریکا روز جمعه ۶ مرداد ۱۳۹۶، شش شرکت دیگر ایرانی را به لیست تحریم‌ها خود علیه رژیم جمهوری اسلامی افزود. این در حالیست که طی یک ماه گذشته که طرح تحریم‌های تازه علیه رژیم ایران در کنگره آمریکا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است چندین بند الحاقی در جهت کارآتر کردن تحریم‌ها به آن اضافه شده است.

دامنه‌ی تحریم‌ها علیه رژیم اسلامی ایران افزایش یافت



۲۰ میلیون بی‌سواد مطلق و کم‌سواد، ثمره‌ی چهار دهه حاکمیت فاشیسم مذهبی در ایران



سوادآموزی رژیم، طی مصاحبه‌ای با خبرنگاری فارس اعلام کرد: ۲۰ میلیون نفر بی‌سواد مطلق و کم‌سواد که سطح سواد آنها تا دوره ابتدایی است در کشور داریم.

ایران هر روز بیشتر دچار فروپاشی بنیادهای اجتماعی-فرهنگی خود می‌شود، بنیادهایی که منشا اصلی غرور ملی در هر کشور است. علی باقرزاده، رئیس نهضت

رژیم مذهبی-فاشیستی ایران طی یک دهه اخیر همیشه از تحریک غرور ملی برای موجه نشان دادن برنامه موشکی خود در میان مردم استفاده کرده در حالی که

ادامه سخن

وقتی نگاهی می‌کنیم به سرگذشت روابط مابین ملت‌ها، هزاران نفر را می‌بینیم که دوست و یاور ملتی بوده‌اند و پا هستند، همچنین صدها و هزاران روزنامه‌نگار و خبرنگار به سرزمین‌ها و کشورهای متفاوتی سر زده‌اند و با کسب و جمع‌آوری اطلاعات لازم، وظیفه‌ی حرفه‌ای خود را انجام داده‌اند و در این میان دوستان و یاورانی هستند که احتمالا برای تعقیب منافع ویژه‌ای که برایشان مشخص می‌شود دست به تحکیم و تعمق اینگونه روابط می‌زنند، به عنوان مثال می‌توان به کنگره آمریکا اشاره کرد که احتمال آن وجود دارد عضوی از این کنگره لابی سرزمین یا ملت دیگری باشد. آنچه فعالیت شخصی همچون دکتر قاسملو را مجزا و برجسته می‌کند تاثیرگذاری او بر افرادی همچون کوچراست، تاثیری که نهایتا به دوستی و همراهی این افراد با ملت کورد انجامید. دوستی و همراهی انسانی غربی که در سرزمین خود امکان زندگی و تعالی بهتری دارد با مبارزه‌ی ملتی به این خاطر اهمیت دارد که دکتر قاسملو نه با مشخص کردن منافع مادی و شخصی بلکه با بیان آمال و آلام‌های ملت کورد و تشریح قیام این ملت برای کوچرا او را از قاره‌ای دیگر و با توانایی‌های ویژه جذب این رویا و آرزوهای می‌کند و اوست که با زبانی امروزی آلام و آمال‌های مبارزات کوردها را به غرب معرفی می‌کند. شکوه و عظمت دکتر قاسملو در آن است که شخصیتی غربی را به سوی ملت کورد می‌کشاند و موجب می‌شود که او دوست و یاور مبارزات حق‌طلبانه‌ی ملتی ما شود که دشمنان داخلی فراوانی دارد!!

باقرزاده افزود: یازده درصد جمعیت ایران بی‌سواد مطلق هستند. او معیار تمیز بی‌سواد از باسواد را "روخوانی قرآن" اعلام کرد و گفت: روخوانی قرآن خواندن، نوشتن و حساب کردن معیار ما برای تشخیص و تمیز شخص باسواد از بی‌سواد است. هنگامی که خمینی در ۸ دی ۱۳۵۸ طی فرمانی، دستور تاسیس نهضت سوادآموزی را داد رژیم تبلیغات گسترده‌ای تحت لوای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی به راه انداخت اما آنچه که بعد از قریب به ۴دهه شاهد آن هستیم حضور میلیون‌ها بی‌سواد مطلق است. باقرزاده در ادامه سخنانش به جمعیت سه و نیم میلیونی دیگری نیز اشاره کرد که: نامشخص و امکان ثبت‌نام این افراد برای سوادآموزی وجود ندارند.

رژیم فاشیستی-مذهبی ایران طی سال‌های اخیر طی برنامه‌های تبلیغاتی-رسانه‌ای برای توجیه صرف میلیاردها دلار در برنامه‌های موشکی خود و نیز صرف منابع زیرزمینی-روزمینی ملیت‌های ایران برای حمایت از گروه‌ها تروریستی چون حزب‌الله از اصطلاح "غرور ملی" به‌کررات استفاده کرده است، غروری که وجود چنین آمارهایی آنرا به شرم ملی بدل می‌سازد. خبرگزاری "جام‌جم" طی گزارشی مفصل به وضعیت آماری و علل محرومیت کودکان از تحصیل در سال ۹۲ پرداخته و متذکر شده است:

بر اساس آمارهای رسمی، هم اکنون حدود ۲۵۰ هزار نفر از تحصیل بازمانده‌اند و هر سال ۲۰هزار نفر نیز به تعدادشان اضافه می‌شود اما آمارهای غیر رسمی این رقم را بیش از سه میلیون و ۸۰۰ هزار نفر نشان می‌دهد. این در حالی‌ست که حسن روحانی بعد از پرتاب موشک سیمرغ در روزهای اخیر طی پیامی توثیتری گفته بود: این آزمایش بر غرور و اقتدار ما می‌افزاید. اما سوال اصلی این است غرور چه کسانی و اقتدار چه کسانی؟؟ آیا صرف میلیاردها دلار در راه ساخت موشک و یا صرف آن در راستای ایجاد آشوب و ترور در کشورهای منطقه چیزی بر غرور بیش از ۳ میلیون ایرانی و خانواده‌هایشان که از تحصیل بازمانده‌اند می‌افزاید؟؟ نیم نگاهی به حمایت‌های برخی از قشرهای تحصیلکرده، روشنفکر، خارج‌نشینان، فعالین سیاسی و... از طرح‌های نظامی و تروریستی ایران در کشور، منطقه و جهان بیانگر فاشیسم رسوخ یافته در تک تک سلول‌های این افراد است که بدون در نظر گرفتن شخصیت و زندگی نابود شده میلیون‌ها ایرانی بدست رژیم اسلامی تنها و تنها در پی ارضای به اصطلاح غرور ملی خود هستند در حالی معیارهای غرور ملی را در جایی دیگر و محیط فکری دیگری باید جست.

بیش از ۴۰ درصد روستاهای استان کرماشان فاقد آب آشامیدنی سالم هستند



و چهل درصد کل روستاهای استان به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی دسترسی ندارند. قابل ذکر است مناطق جلالوهن، هوزمانه‌وهن و دورود فرامان از جمله بخش‌ها و مناطقی می‌باشند که در وضعیت بحرانی عدم دسترسی به آب سالم و بهداشتی قرار دارند. مردم کرماشان که به جرم کورد بودن از حقوق اولیه خود محرومند و با داشتن سرچشمه‌های مواد خام اولیه و نیز جغرافیای مناسب در زمره فقیرترین استان‌های ایران محسوب می‌شوند، همیشه قربانی سیاست‌های استعماری رژیم‌های مختلف ایران بوده‌اند. استعمار منابع استان‌های کوردستان و زاگرس و انتقال سرمایه‌های هنگفت این مناطق به مرکز ایران و عدم سرمایه‌گذاری در این استان‌ها بنیادهای زندگی و توسعه را در کوردستان نابود کرده و هر روز بر پیشرفت و فربهی اقتصادی استان‌های فارس زبان و مرکزی ایران می‌افزاید.

رفع مشکلات مردم مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. در همین راستا و به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، سید قاسم جاسمی، نماینده مجلس رژیم طی سخنانی اعلام کرد که: ۸۰ درصد از ۲۲۰ روستای حومه‌ی شهرستان کرماشان فاقد آب آشامیدنی سالم و بهداشتی هستند و از سیستم لوله‌کشی آب بی‌بهره‌اند. استان کرماشان که از نظر داشته‌های طبیعی -معادن، منابع نفتی و گازی، کشاورزی و دامداری- و نیز برخورداری از چند نقطه مرزی مهم از استان‌ها زر خیز و ثروتمند ایران محسوب می‌شود، دچار فقر شدید، بیکاری، عدم توسعه‌یافتگی، عدم تخصیص بودجه کافی و عدم وجود زیرساخت‌های رفاهی می‌باشد. هوشنگ اکبری، معاون بهره‌برداری شرکت آب و فاضلاب استان کرمانشاه به خبرگزاری حکومتی "ایرنا" گفته است: ۲۶۰ روستای کل استان کرماشان از دسترسی به آب لوله‌کشی محرومند

در واقع آنچه که موجب ایجاد بحران آب در استان‌های کوردستان شده، نه نبود آب شیرین و یا کمبود آن، بلکه عدم وجود زیرساخت‌های مناسب برای انتقال منابع آبی به روستاها و شهرهای زاگرس است. بنابر گزارشات منتشر شده آب شرب ۳۰۰ روستای استان کرماشان بوسیله کامیون‌های حمل آب تامین می‌شود و از هرگونه سیستم توزیع آب لوله‌کشی و بهداشتی محروم می‌باشند. این در حالی‌ست که بنابر گزارشات حکومتی منابع آبی استان کرماشان -زیرزمینی و جاری- هشت درصد منابع آبی ایران را تشکیل می‌دهد، حجمی از منابع آبی که می‌بایست بنابر برنامه‌ریزی‌های دقیق و تخصیص بودجه در راستای

عامل پخش مواد مخدر در شهر اشنویه کشته شد

از شهرهای ارومیه و نقده به شهر اشنویه کرده و لباس شخصی‌های اطلاعات با موتور سیکلت در سطح شهر درحال گشت زنی می‌باشند. همچنین شب جمعه ۵ مرداد ۱۳۹۶ شمسی افراد ناشناس در محله تاجپین آباد اشنویه، به "محمد ناصرزاده" ۴۵ ساله که از عوامل و مهره‌های رژیم ایران بوده و در پخش مواد مخدر دست داشته، تیراندازی کرده و او را کشتند.

عاملین توزیع و فروش مواد مخدر مانند شیشه هیروئین و مواد روان‌گردان در سطح شهر و یکی از مهره‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم اسلامی ایران در امر فروش و پخش مواد مخدر بوده است. بنابر گزارشات رسیده این رویداد در محله "تاجپین آباد" شهر اشنویه اتفاق افتاده است. بعد از این رویداد رژیم برای ایجاد فضای رعب و وحشت اقدام به انتقال نیروی نظامی

یکی از عاملین پخش مواد مخدر رژیم ایران، به سزای خیانت خود رسید. به گزارش رسیده به سایت کوردستان میدیا، شامگاه نهم مرداد ۱۳۹۶ شمسی، "صدیق پتک" عامل پخش و فروش مواد مخدر و روان گردان، بدست افراد ناشناس به سزای اعمالش رسید. خبرنگار سایت کوردستان میدیا در این رابطه گزارش داد که، صدیق یکی از مهمترین

با ورود کاروان خادمین رضوی به شهرهای کرماشان، آسمیلاسیون فرهنگی در این استان وارد فاز جدیدی شد



آسمیلاسیون فرهنگی فرآیندی پیچیده، سازماندهی شده و هدفمند است که طی آن گروهی زبانی، فرهنگی، ملی و یا مذهبی در گروه غالب ادغام و همگون می‌شود. بیشتر و طی ماه‌های گذشته اخباری مبنی بر اعزام ۱۸۰۰ روحانی به نقاط مختلف کرماشان منتشر شده بود که با حضور کاروان خادمین رضوی در این استان صحت این واقعیت بیشتر آشکار شد که جمهوری اسلامی ایران به صورت سیستماتیک و دامن‌دار به آسمیلاسیون فرهنگی کوردها می‌پردازد. کرماشان به دلیل موقعیت استراتژیکی که در کوردستان و ایران دارد همیشه از سوی حکومت‌های ایران تحت بیشترین فشار و اقدامات ضدبشری در راستای نابودی فرهنگ، زبان و محیط زیست آن بوده است. ژئوساید و آسمیلاسیون فرهنگی کوردها دو برنامه‌ی مکمل و اجرا شده از سوی رژیم اسلامی ایران در این سال‌ها بوده که به صورت سیستماتیک و با شدت هر چه بیشتری تا به امروز ادامه دارد.

رابطه حضور این کاروان مذهبی-امنیتی در مناطقی است که جمعیت‌های شیعه و یارسان طی دهه‌ها به صورت مسالمت‌آمیزی در کنار هم زندگی کرده و می‌کنند. هرسین و روستای اطراف آن از جمله‌ی این مناطق است که دارای جمعیت شیعه و یارسان می‌باشد. فلسفه‌ی وجودی این کاروان از سویی برای ایجاد نفاق و جدال مذهبی در میان مردم و از سوی دیگر برای پیشبرد برنامه‌ی آسمیلاسیون فرهنگی کوردستان می‌باشد. قابل ذکر است کاروان خادمین رضوی با بهره‌گیری از محرومیت، بیکاری بالا، شدت فقر و عدم توسعه‌یافتگی کرماشان که محصول حاکمیت حکومت‌های مرکزگرای ایران و نیز با توزیع هدایای مالی و دادن وعده و وعیدهای مادی در پی جذب جوانان به نهادهای امنیتی-مذهبی و اجیر کردن آنان در راستای خدمت به رژیم اسلامی‌اند. باید گفت این گروه با دامن زدن به خرافات مذهبی و مغزشویی مردم نقش مجریان آسمیلاسیون فرهنگی کورد از طریق دین و آئین را ایفا می‌کنند.

رژیم اسلامی ایران با سواستفاده از احساسات مذهبی کوردها و استفاده از حربه‌ی مذهب طی ۴ دهه‌ی اخیر توانسته بر سرعت و شتاب آسمیلاسیون فرهنگی ملت کورد بیفزاید. بنابر گزارشات منتشر شده کاروان به اصطلاح "خادمین رضوی" طی هفته گذشته وارد کرماشان شده و با حضور در شهرستان‌ها و روستاهای مختلف کرماشان به اجرای برنامه‌های مغزشویی جوانان و پیشبرد اهداف آسمیلاسیون فرهنگی در کرماشان پرداخته است. بنابر گزارشی از خبرگزاری حکومتی مهر، این کاروان بعد از انجام فعالیت‌های مدنظر خود در شهر کرماشان به سمت روستاها و شهر هرسین به راه افتاده است. بر اساس این گزارش کاروان مذکور که از چندین ده مداح، آخوند، سخنران، واعظ و اشخاص امنیتی و اطلاعاتی تشکیل می‌شود با تشکیل اجتماعات در روستاها یا شهرها به مداحی، وعظ، سخنرانی و دادن به اصطلاح سوغاتی پرداخته‌اند. نکته‌ی حائز اهمیت در این

بعد از "کوه‌دشت" و "رومشکان"،

۵ دشت دیگر لورستان در لیست دشت‌های

ممنوعه قرار می‌گیرد

سویی با عدم مهار آب‌های جاری و از سوی دیگر با عدم نظارت بر حفر چاه‌ها که به علت نبود سیستم آبرسانی مناسب انجام می‌شود طی دهه‌های اخیر موجب هدر رفت گستروده این ماده، نابودی محیط زیست زاگرس و از بین رفتن بنیادهای زندگی مردمان این مناطق شده است. بنابر آمار ارائه شده از سوی رژیم محسوب می‌شوند و رژیم ایران می‌توانست با مهار این آب‌ها و ایجاد سیستم آب رسانی مدرن به بخش‌های کشاورزی، روستایی و شهری مانع از حفر چاه‌های متعدد از سوی مردم برای تامین آب شرب خود شود. مختاری در ادامه افزود: در دشت‌هایی که ممنوعه اعلام می‌شود با توجه به افت سطح آب زیرزمینی در آن‌ها، اجازه حفر چاه جدید داده نمی‌شود و برداشت‌ها باید طبق قوانین تعیین شده انجام بگیرد. قابل ذکر است که ۱۷ درصد کل منابع آبی ایران در لورستان قرار دارد که رژیم ایران از

دستور کار مجریان مرکزگرای ایران قرار گرفته است. به گفته مختاری بیشتر، در سال ۱۳۹۴ شمسی، دشت‌های "کوه‌دشت" و "رومشکان" به دلیل بحران شدید آبی در این مناطق به عنوان دشت‌های ممنوعه معرفی شده‌اند. این در حالی‌ست که ۷۰ درصد آب‌های شیرین این مناطق جزء آب‌های جاری محسوب می‌شوند و رژیم ایران می‌توانست با مهار این آب‌ها و ایجاد سیستم آب رسانی مدرن به بخش‌های کشاورزی، روستایی و شهری مانع از حفر چاه‌های متعدد از سوی مردم برای تامین آب شرب خود شود. مختاری در ادامه افزود: در دشت‌هایی که ممنوعه اعلام می‌شود با توجه به افت سطح آب زیرزمینی در آن‌ها، اجازه حفر چاه جدید داده نمی‌شود و برداشت‌ها باید طبق قوانین تعیین شده انجام بگیرد. قابل ذکر است که ۱۷ درصد کل منابع آبی ایران در لورستان قرار دارد که رژیم ایران از

عدم مدیریت صحیح منابع آبی زاگرس و تعدی بودن این مساله از سوی رژیم فاشیستی-مذهبی ایران، بنیادهای زندگی زاگرس نشینان را با خطری بالقوه و جدی روبرو ساخته است. نادر مختاری، معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای لرستان، طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری حکومتی مهر اعلام کرد که: ۵ دشت دیگر لرستان شامل دشت‌های بروجرد و دورود، ازنا و الیگودرز، خرم‌آباد و چگنی، الشت و دشت نورآباد در دستور کار ممنوعه شدن قرار گرفته‌اند. از آنرویی که سیاست‌های فاشیستی حاکمین ایران طی یکصد سال اخیر بر نابودی کامل محیط زیست زاگرس و ریشه کن کردن بنیادهای زندگی مردمان زاگرس نشین قرار گرفته است، انتقال منابع آبی زاگرس و کوردستان به استان‌های کویری فارس‌نشین و یا نابودی منابع آبی استان‌های کوردستان از طرق مختلف در

اراده معطوف به مقابله با سرکوب (تغییر رویکرد از مقاومت به مقابله)



تـاگـری اسماعیل نژاد

ماه‌عسل کوردها و صاحبان خودخوانده انقلاب ۵۷ تنها هفت روز بود. بعد از آن ۷ روز اختلافات به منازعات تبدیل شد و نشست‌های "حسن نیت" برای خرید زمان جهت آمادگی برای صدور فتوای جهاد و اعلام حمله ارتش و سپاه ختم گردید. کوردها بعد از فتوای خمینی که هم مرجعیت دینی داشت و هم به کاریزمای پوپولیسم انقلابی تبدیل شده بود، گفتمان ملی–دمکراتیک خود را که زیر بنای آن "حق تعیین سرنوشت" بود، با رویکرد مقاومت پی‌گیری کردند. در این میان جمعی تلاش کردند، رویکرد مقاومت را خارج از چارچوب نظام تازه بدوران رسیده جمهوری اسلامی تعریف کنند و بعضی نیز تلاش نمودند، در همان چارچوب این رویکرد را تعریف نمایند. گروه اول بر اساس اصل دفاع مشروع، علی‌رغم میل باطنی و برای مقاوت در برابر هجوم‌هایی که به آن‌ها میشد، اسلحه در دست گرفتند و به همین سبب رویه آن‌ها به اشتباه به مبارزات مسلحانه موسوم گردید. چرایی اشتباه در نام‌گذاری مبارزات مقاومت به مبارزات مسلحانه در این است که بکارگیری اسلحه هیچگاه به استراتژی گروه‌های سیاسی تبدیل نشده و این گروه‌ها هرچند اسلحه در دست داشتند، اما کاربرد آن اسلحه تنها برای مقاومت و به منزله تاکتیکی برای واداشتن رژیم به مذاکره بود. در این میان جریانات و احزاب کوردی محدودیتی دیگر هم برای کاربرد اسلحه قائل بودند و این محدودیت مربوط به تعیین حدودی بود که در تقابل با آن‌ها اسلحه بکارگرفته می‌شود. جریان مقاومت کوردستان اسلحه را تنها خطاب به بخش رویین عوامل سرکوب جامعه کوردستان بکار می‌بردند

(رویین به مفهوم عوامل ظاهر که مستقیما در سرکوب حضور دارند)، بدین مفهوم که آن‌ها تنها افراد و سازمان‌های امنیتی که مستقیما در سرکوب دست داشتند، جامعه هدف سلاح خود می‌پنداشتند و می‌پندارند، و در این میان بخش زیرین و نرم افزاری سرکوب که بخش رویین، قدرت و برنامه خود را از آن می‌گرفت و می‌گیرد، در سیبل مبارزات موسوم به مسلحانه حضور نداشت. بخش زیرین به عواملی اطلاق می‌شود که به شیوه غیرمستقیم در سرکوب دست دارند، آن‌ها طراحان استراتژیک برنامه‌ی سرکوب و هدایت‌گران اصلی بخش رویین و همچنین تامین کنندگان هزینه‌های مورد نیاز بخش رویین هستند. همین مسئله سبب شده بود، تاکتیک بکارگیری اسلحه برای واداشتن رژیم به مذاکره به سیکل بازتولید خشونت و هدایت این خشونت به مسیر سرکوب تبدیل شود. اگر بخواهیم این مسئله را تبیین کنیم، باید اظهار داشت که بکارگیری اسلحه به شیوه‌ای که تنها بخش رویین سرکوبگران در سیبل آن قرار داشته باشد، مسبب آن شده است که خشونت‌های حاصل از این منطق به پتانسیل خود ترمیمی بخش رویین سرکوبگران تبدیل شود و در این میان اگر یکی از عناصر و عوامل سرکوب در کوردستان به شیوه فیزیکی حذف می‌شود، این پایان نه تنها امیدی برای پایان سرکوب نبود، بلکه به پتانسیلی برای ترمیم همان بخش سرکوب تبدیل می‌شود، چون بخش زیرین سرکوب از این قدرت برخوردار است که خشونت ایجاد شده در پی سرکوب را به سیکل سرکوب تزریق کند و در عین حال بخش زیرین سرکوب به دلیل آنکه خود مخاطب قرار نمی‌گرفت و نمی‌گیرد، از هرگونه آسیب‌دیدگی محفوظ بود و هست، به همین دلیل به آسانی می‌توانست ترس حاصل

از این خشونت که به امید تغییر رفتار بخش رویین سرکوب و با رشادت‌های فراوان ایجاد شده است را کنترل و هدایت نماید. حال برای ساده شدن بحث، مثالی مطرح می‌کنم : بسیاری از عوامل جمهوری اسلامی و حتی مردم ایران ادعا دارند که ”کوردها سر می‌برند“ و آن‌ها حتی مدعی هستند، خود اجساد کسانی را دیده‌اند که سر آن‌ها از تنش‌ان جدا شده است و این اجساد سر همراه‌شان نبوده است. این مسئله در حالی مطرح است، که مقاومت کوردها با اسلحه گرم بود، نه چاقو و چیزهای برنده سرد و جدا از این مسئله در مقابل که نیروی سرکوبگر حضور دارد خود این نیروی سرکوبگر نیز مجهز به انواع اسلحه گرم و پیشرفته بوده و هست، پس چرایی سرهای بریده را باید در کجا جست؟! حتما در جواب ادعا می‌شود،

که بعد از کشتن سر آن‌ها را می‌بریدند، این ادعا خالی از واقعیت است چون یک: بسیاری مواقع افراد دستگیر شده توسط احزاب کوردی بدون حتی تبادل زندانی، آزاد می‌شدند و در حالت‌هایی هم با زندانیانی مبادله می‌شدند، اگر قرار بر سربردن اعضاء سپاه پاسداران بود چرا این افراد سربریده نمی‌شدند؟! دو: یک چریک از لحاظ زمانی در محدودیت و مذبذقه است، پس حتی اگر هم بخواهد زمان آن را در دست ندارد، یک جسد را سربرد و در عین حال هم مگر یک جسد سربریده شده به چه درد یک مبارز می‌خورد؟! و به چه کار آن چریک می‌آید؟! تـمـسـخـر آـمـیزـتـر از همه، مسئله بردن همان سرهای بریده بود؛ حمل یک سر که وزن آن ۱۰ تا ۱۵ کیلو است جدا از چندش آور بودنش قابل انجام نیست چون مهمترین مسئله برای یک چریک مسئله وزن اشیاء مورد نیازش است. این وزن باید قابل حمل باشد و تا عملکرد چریک را کاهش ندهد. اما باز هم سرهای بریده یک توهم نبود. چون و در واقع کسانی که تنها حسرت و داغ دیدنش برای آن‌ها مانده بود این ادعا را می‌کردند. واقعیت این است که سرهای بریده وجود داشت. اما فاعل آن‌ها کوردها نبودند، بلکه همان بخش زیرین سرکوب کوردستان بود، که این سرها را می‌برد و چرایی این رفتار به دو دلیل بود : یک: لاپوشانی خشونت‌های سرکوب کوردستان بدین مفهوم که آن‌ها برای توجیه حجم خشونت‌های خود در کوردستان باید القاء می‌کردند که حجم خشونت بکارگیری توسط کوردها بسیار بیشتر است و آن‌ها تنها مقابله به مثل کرده‌اند. دو: بخش زیرین سرکوب از این مطمئن بود، که احساسات و رفتارهای حاصل از خشونت را می‌تواند هدایت کند، براساس

کوردستان ایران

جمهوری اسلامی تتوریزه کند و با تاکید بر خواست و تتوری گروه اول در تلاش بود، در چارچوب ولایت فقیه دستاوردهای داشته باشد، اما تا حال در تضاد سرکوب–تفاهم بسر می‌برد. سیکل سرکوب–تفاهم بدین مفهوم که خود ادعای تفاهم با جمهوری اسلامی دارد، در حالی که هم سرکوب می‌شود هم دستاوردی نداشته و ندارد. جدا از دستاوردهای شخصی که هم مقطعی بوده و هم چیز اهمیت داری هم نبوده‌اند، مهمترین دستاورد عمومی این رویکرد که اسلحه را به دلیل پرهیز از خشونت و عدم تناسب قدرت نظامی بین خود و گروه سرکوب کنار گذاشته بود، انتشارات حکومتی صلاح الدین ایوبی در ارومیه بود، این انتشارات با اختصاص بخشی از بودجه امنیتی و همچنین نظارت ارگان امنیتی اطلاعات اداره می‌شد . وسعت سرکوب، نظارت، سانسور و عدم امنیت برای دست اندرکاران این انتشارات در سطحی بود که تمام افتخار و دستاورد این انتشارات را در تولید چند متن ادبی و باز نشر چندین کتاب با ژانر ادبیات میتوان خلاصه کرد. انتشارات صلاح الدین ایوبی بعد از اطمینان نسبی از سکوت اسلحه مبارزان گروه اول با پرسش و جالش‌هایی از طرف بخش زیرین سرکوبگران روبرو شد، اول، آن‌ها چرایی حضور این انتشارات در ارومیه را مطرح کردند و پس از انتقال آن به سنه و مسئله بودجه و هزینه‌های جاری آن را بحث کردند و دست آخر در بی‌صدایی به تاریخش سپرده‌اند. پس در واقع انتشارات صلاح الدین ایوبی دستاوردی حاصل تلاش گروه دوم نبود، بلکه طرحی از آن بخش زیرین سرکوب بود که برای سرکوب گروه اول طراحی شده بود و

تنها گروه دوم در آن نقش، حضوری داشت، این نقش تعیین و راهبردی نبود. (خواننده می‌تواند برای درک بیشتر این مسئله به مصاحبه آقای فاروق کیخسروی با هفته‌نامه وشه درج در ۱۲می ۲۰۱۶ مراجعه کند) از لحاظ حضور سیاسی و اجتماعی هم کلیه افراد وابسته به این گروه هیچ حضور محسوس و غیره محسوس در ساختار قدرت نداشتند، و بیشتر به منتقدین جریان اول در رسانه‌ها مختلف تبدیل شدند، و همین مسئله مسبب آن شد که آن‌ها در اجتماع ایزوله شوند. در حال حاضر باید اظهار کرد هر دو رویکرد مبارزان کورد با بن بست یا شکست روبرو شده است، و برای خروج از این بن بست در گام اول باید مبارزه را از قالب مقاومت خارج کرده و به مقابله با تمام عوامل سرکوب، هم عوامل رویین و هم عناصر زیرین تبدیل شود. برای شناسای تمامی عوامل سرکوب باید ابعاد خشونت و انواع خشونت را شناسایی کرده و برای هرکدام راهکاری مناسب و عملی طرح نمود. شناسایی ابعاد و نوع خشونت حاکمان تهران در کوردستان گام نخست، برای مقابله با خشونت موجود است پس از شناسایی انواع خشونت باید گفتمان مبارزات کوردستان از مقاومت به مقابله تغییر کند، چون مقاومت در برابر سرکوب شاید در دیدگاه ارزشی قابل تقدیر باشد، اما به مفهوم پایان سرکوب نیست، بلکه تنها مسبب ایجاد حصار خلوتی برای سرکوب می‌شود. در چنین شرایطی الزامی است که گفتمان مقاومت به گفتمان مقابله تغییر کند، چون هدف اصلی مبارزات کوردستان پایان خشونت و سرکوب در کوردستان است، نه مقاومت کردن صرف در برابر این خشونت و سرکوب‌های موجود.

افغانستان: رژیم ایران در تلاش برای

ناامن کردن این کشور است



حمایت رژیم ایران از گروه‌های تروریستی بطور مداوم موضع و نگرانی کشورهای منطقه و غرب را در پی داشته و تاکنون تحریم‌های اقتصادی شدیدی در این خصوص علیه رژیم ایران تصویب شده است. ایالات متحده آمریکا در تازه‌ترین گزارش خود روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۹۶ خورشیدی رژیم ایران را به عنوان اصلی‌ترین کشور حامی تروریست در جهان عنوان کرد.

شورای ولایت غور بیان داشته است که رژیم ایران می‌خواهد با حمایت از طالبان سد سلما در "ولسوالی چشت" هرات را از بین ببرد. سفارت رژیم ایران در کابل این ادعاهای مسئولان افغانستان را رد کرده است. بند سلما یکی از بزرگترین بندها در افغانستان به شمار می‌رود که با هزینه نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار با همکاری کشور هند در ولسوالی چشت هرات ساخته شده است.

شورای ولایت غوری افغانستان رژیم ایران را متهم کرد که این رژیم در تلاش بی ثبات کردن غرب این کشور بوده و می‌خواهد سد سلما را تخریب کند. مسئولان شورای ولایت غور افغانستان روز دوشنبه دوم مردادماه ۱۳۹۶ خورشیدی اعلام کردند که رژیم ایران با حمایت مالی و نظامی گروه تروریستی طالبان در تلاش است تا سد سلما را تخریب کند. "فضل الحق احسان" رئیس

دکتر منصور سهرابی در مصاحبه با کوردستان:

حاکمان ایران در صدد هستند آب را از کوردستان به دیگر مناطق هدایت کنند که این مسئله آینده کوردستان را تهدید می کند



مقصد مشکل آفرین است چرا که اجزای هر منطقه با شرایط دراز مدت آن منطقه سازگار شده و اولین آسیب بعد از انتقال آب به تنوع زیستی وارد می شود و هر دو بخش نیز از لحاظ زیست محیطی آسیب می بینند و نظر به اینکه حیات در بخشی از کوردستان عراق وابسته به این آب است طبعاً این آسیب در آنجا ملموس تر است. تهدید دیگر برای منابع آب کوردستان روزگلات انتقال آب درون مرزی در داخل ایران است نظر به اینکه بیشتر سرزمین ایران را خشکیدگی تهدید می کند، حاکمان ایران در صدد هستند آب را از کوردستان به دیگر مناطق هدایت کنند که این مسئله آینده سرزمین کوردستان را تهدید می کند و به سمت نابودی می کشاند. کوردستان: به نظر می رسد که بسیاری از شهرهای بزرگ کوردستان مانند سنندج، کرمانشاه، ایلام، مهاباد و ارومیه در خصوص آب شرب نیز با مشکلاتی مواجه باشند، نظر شما در این ارتباط چیست؟ لازم به ذکر است به اطلاع برسانم که بیش از نود درصد از منابع آب در ایران در بخش کشاورزی مصرف می شود که بسیار ناکارآمد است و بدلیل سیاست گذاری و مدیریت غلط بیشترین هدرروی را دارد. در بخش شرب مشکل در تصیفه و انتقال درون شهری است که گاهی بیش از سی درصد از آب در شبکه شهری بدلیل فرسودگی لوله های انتقال، هدر می رود.

آنچه الان در حال انجام است، پروژه های سد سازی و انحراف آب بر روی رودخانه زاب و سیروان است که هدف آن جلوگیری از ورود آب به کوردستان عراق است. البته باید عرض کنم که در دوره ای که در ایران تحت عنوان سازندگی یاد می شد و توسعه را در احداث سد تصور می کردند کمترین سد در کوردستان ساخته شد و شاید تصور بر این بود که توسعه ای نباید در کوردستان صورت بگیرد و بدون توجه به طرح های آمایش سرزمین و توان اکولوژیکی بیش از ۷۰۰ سد در ایران ساخته شد و بیش از ۶۰۰ سد نیز در حال مطالعه و در دست ساخت هستند و این در حالی است که در حال حاضر در دنیا سد سازی منسوخ است و نشانی از توسعه نیست. با سدسازی ضمن آنکه محیط زیست در محل احداث دگرگون می شود و در پایین دست نیز تالاب ها و رودخانه به سمت خشکی خواهند رفت و در نهایت محیط یک منطقه بشدت تحت تاثیر قرار گرفته و کانون های غبار نیز بوجود می آید همان حالتی که در خوزستان و ایلام ملموس است. کوردستان: شما اشاره کردید به احداث سدها و مهار آب برای جلوگیری از انتقال آن به کوردستان عراق، فکر می کنید این مسئله چگونه می تواند بر آینده دو بخش کوردستان تأثیر داشته باشد؟ همچنانکه عرض کردم اصولاً انتقال آب از لحاظ زیست محیطی برای حوزه مبدا و

از دست دهد در حقیقت سرزمینمان نابود می شود، با این مقدمه باید عرض کنم که روند فعلی تصویر نگران کننده ای به ما می دهد و ترس از دست دادن سرزمین وجود دارد. نظر به اینکه مدیریت سرزمین در دست بیگانه است و سروری و کرامت سرزمین ما تحت الشعاع مدیریت ناکارآمد بیگانه است، نابودی و غارت منابع آن از جمله منبع آب بسیار محتمل است. البته من نگاهی اکوفاشیستی ندارم که نسبت به همه ی فعالیت های بشر بدبین هستند، اما آمارها و روند پدیده ها این نگاه و تصویری که در بالا ذکر کردم را پیش روی ما قرار داده. کوردستان به دیگر نقاط ایران با دکتر منصور سهرابی، دکترای اگر و اکولوژی، پژوهشگر بخش چشم انداز اکولوژی دانشگاه "کیل" آلمان انجام داده که عینا دربی می آید: کوردستان: جناب دکتر سهرابی با تشکر از اینکه دعوت ما را برای انجام این مصاحبه پذیرفتید، به نظر شما محیط زیست کوردستان روزگلات با تهدیدی جدی مواجه است؟ قبل از هر چیز می خواهم نگاهی کلی به این بحث داشته باشم، اصولاً هر سرزمین شامل طبیعت است و آن بخش از طبیعت که قابل حیات است را محیط زیست می نامند. در حقیقت تعریف سرزمین کوردستان وابسته به محیط زیست آن است، چرا که اگر طبیعت کوردستان قابلیت و توان خود را برای حیات

و سریع تر انجام می شود. گستردگی میزان انتقال آب استان های کوردستان به مناطق کویری و مرکزی ایران موجب شکل گیری بحران های زیست محیطی و انسانی در این استان ها شده است. رژیم ایران علاوه بر اجرایی کردن سیاست انتقال آب به مرکز و استان ها مرکزی ایران از سیاست نابودی منابع آبی کوردستان نیز پیروی می کند امری که از بین رفتن صدها چشمه آب شیرین در کوردستان را در پی داشته است. احداث سد "داریان" و نابودی "کانی بل" از جمله چشمه های پر آب و مطرح در جهان، از نمونه های بارز این سیاست فاشیستی رژیم ایران است. کوردستان میدیا در رابطه با وضعیت محیط زیست و سد سازی و انتقال منابع آبی

مشکل آب در ایران به قدری جدی شده که به یک تهدید امنیتی تبدیل گردیده است که مقامات رژیم نسبت به این تهدید ابراز نگرانی کرده اند. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس مشکل آب در ایران را یک موضوع امنیتی می داند، به گفته کارشناسان محیط زیست علاوه بر خشکسالی، سیاست های رژیم ایران طی سه دهه گذشته، اوضاع را وخیم تر کرده است از جمله پروژه های عظیم سد سازی و تلاش برای نجات صنعت کشاورزی به هر قیمت. طرح های سد سازی و انتقال منابع آبی کوردستان به استان ها و شهرهای مرکزی ایران سیاستی است که قرن ها توسط حکومت های ایران طراحی و پیروی می شود، برنامه هایی که طی یک قرن اخیر مدون تر

مصطفی هجری به مناسبت در گذشت

کریس کوچرا پیام تسلیتی منتشر کرد



به ویژه در فرانسه و حضور در ده ها سیمینار و نشست با محوریت مسائل کورد و کوردستان، به تالیف و انتشار چندین کتاب در همین رابطه دست زد که خدمت بزرگی در راستای شناخت مساله ی کورد محسوب می شود. با درگذشت کوچرا، ملت کورد و خصوصاً حزب دمکرات کوردستان ایران، یارو و یاور وفاداری را از دست داد، اما یاد این مرد کورد دوست و خدماتش به ملت کورد، از یاد هیچ کورد وطن دوستی نخواهد رفت. به همین مناسبت این ضایعه بزرگ را به خانواده ایشان و به خصوص همسرش "ایدیت"، که در انجام کارهای او همراه و یاور او بود، تسلیت می گویم.

حزب دمکرات کوردستان
ایران
دبیرکل
مصطفی هجری

کوردستان میدیا: دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت درگذشت "کریس کوچرا" پیام تسلیتی منتشر کرد. متن پیام: یاد "کریس کوچرا" در دلمان زنده می ماند نویسنده و روزنامه نویس شهیر، کریس کوچرا چشم از جهان فرو بست. کوچرا، سال های زیادی از زندگی خود را در سفر به کوردستان و ماندن در میان مردمان این سرزمین گذراند و طی این سفرها با رهبر پر آوازه کورد، دکتر عبدالرحمان

اعلام کرده بود: وضعیت بد اقتصادی کشور زمانی مشخص می شود که نگاهی به آمارهای بیندازیم به عنوان مثال ایران در زمینه آزادی اقتصادی از بین ۲۲ کشور منطقه، در رتبه بیست و دوم و در سطح جهانی از بین ۱۸۱ کشور در رتبه صد و هفتاد و چهارم قرار دارد و یا وضعیت عمومی اقتصادی ایران در منطقه در زمینه رشد ناخالص داخلی از بین ۲۴ کشور، دهم است و در سطح جهانی نیز از بین ۱۹۱ کشور در رتبه ی ۸۴م قرار داریم. در پی سیاست های جنگ افروزانانه رژیم و حمایت همه جانبه ایران از تروریسم، رژیم اسلامی ایران با تحریم های جهانی روبه رو شده و سالانه با کسری بودجه های سرسام آوری مواجه می شود و با افزایش قیمت ها می خواهد این کسری بودجه را از جیب مردم تامین کند.

تولید بنزین را ندارند و اگر بنزین تولید کنند روند استهلاك این پالایشگاه ها افزایش یافته و سرانجام از کار می افتند. در همین رابطه و در چند روز اخیر، قاسم زراعت دبیر سندیکای نانوائی ها گفت که از سال ۹۳ قیمت نان افزایش نیافته و امسال ۳۰ تا ۳۵ درصد افزایش قیمت خواهیم داشت. وی اعلام کرد که این روند سعودی قیمت به خاطر افزایش قیمت آرد می باشد. تحریم های بین المللی باعث افزایش قیمت ها در ایران شده است. افزایش نرخ، تمامی اقلام مورد استفاده شهروندان را در بر گرفته است. افزایش سرسام آور قیمت ها و پائین بود سطح درآمدها در ایران باعث شده است که افزایش نرخ تورم طی ۱۷ سال گذشته بی سابقه باشد. علی لاریجانی، رئیس مجلس رژیم در همین رابطه

کوردستان میدیا: هنوز دولت جدید روحانی آغاز به کار نکرده است که بازار مصرفی ایران با افزایش تصاعدی برخی از اقلام اساسی و مورد نیاز مردم روبرو می شود. در پی کسری بودجه دولت و مستهلک شدن برخی از پالایشگاه های تولید بنزین، یکی از مسئولان پایه بلند رژیم خبر از افزایش نرخ بنزین داد و گفت: متأسفانه دو سال است که قیمت بنزین را افزایش نداده ایم و در دولت جدید روحانی این افزایش قیمت را خواهیم داشت. این در حالی است که مجلس رژیم با ۲۱۵ رای موافق طرح گران نشدن قیمت بنزین را برای سال ۹۶ تصویب کرده بود. در پی پافشاری های خامنه ای بر در پیش گرفتن "اقتصاد مقاومتی" طرح بنزین داخلی ارائه و اجرایی شد که به گفته کارشناسان، پالایشگاه ها و پترشیمی های ایران قابلیت

کورد نماینده، نمایندهی کورد



دکتر ادريس امدی

● **ترجمه: جمال برناسر**

کورد در مقام وزیر در راستای تامین منافع حکومت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، البته باید گفت ما شاهد حضور یک کورد در پست وزارت در جمهوری اسلامی هستیم. بیژن نامدار زنگنه، از اوایل تشکیل حکومت جمهوری اسلامی مانند معاون وزیر و همچنین از سال ۱۳۶۷ به بعد در چندین کابینه پست وزارت را عهده‌دار بوده است، البته باید گفت مسئله کورد بودن اوبه بهانه‌ای برای تبلیغات جمهوری اسلامی بدل تشد یا کمتر بر آن تمرکز شده است.در این میان کسانی هستند که وزیر بودن او را به شیعه بودنش ربط می‌دهند. با تمام این احوال مورد زنگنه صدق این ادعا را اثبات می‌کند که: اولاً نمایندگی کورد را نمی‌کند؛ دوماً وفادار به نظام جمهوری اسلامی‌ست نه به ملت کورد، سوماً و از همه مهمتر شیعه بودن بیژن زنگنه بدین معنا نیست که جمهوری اسلامی تنها با کورد سنی مشکل دارد بلکه اثبات کننده این واقعیت مسلم است جمهوری اسلامی با همه کوردها –با هر مذهبی– مشکل دارد در غیر اینصور می‌بایست وضعیت کوردهای شیعه بسیار بهتر از سایر کوردها می‌بود. نتیجتا انتخاب یک کورد سنی به عنوان وزیر یا معاون وزیر نه تنها هیچ چیزی از اصل

کورد به کار می‌رود، در راستای منافع ناسیونالیستی و عشیره‌گرای جمهوری اسلامی می‌باشد که این امر در تضاد کامل با منافع ملی کورد می‌باشد. از آن روی که کوردستان از مذاهب مختلفی چون شیعه و سنی و یارسان تشکیل شده است فضایی برای جمهوری اسلامی مهیا کرده تا مستمرا در تلاش برای ایجاد اختلاف مذهبی در میان کوردها باشد. گفتنان جمهوری اسلامی، عشیره‌گرای و مذهب را مبنای برای هویت کورد معرفی می‌کند، در حالیکه کورد با هر مذهبی که داشته باشد، بخاطر کورد بودنش در ایران مورد ظلم و ستم واقع می‌شود. فرضیه دیگری که می‌توان آنرا به چالش کشید چیره بودن آئین و مذهب بر جریانات سیاسی کوردستان می‌باشد، در حالی که به گواه تاریخ روند و اندیشه حاکم بر جریان سیاسی– اجتماعی در کوردستان جدای دین از سیاست بوده و هست در حالیکه به آزادی مذهب نیز پایبند می‌باشد. پس گفتمانی که قصد وارونه نشان دادن واقعیت مذکور را داشته باشد، گفتنان جمهوری اسلامی است و کوردهایی که در این راستا عمل می‌کنند بنابر قوانین و شروط رژیم اسلامی ایران فعالیت می‌کنند. البته کسانی هم هستند که انتخاب یک کورد به عنوان وزیر یا معاون وزیر در جمهوری اسلامی را همانند گامی به جلو تعریف کنند به عنوان مثال زیباکلام نبود وزیر زن، کورد و سنی را به کم و کاستی مدنی و نازل بودن سطح "رشدسیاسی" در جمهوری اسلامی را ربط می‌دهند. او این مسئله را در چارچوب "رشد سیاسی" تعریف می‌کند یا به معنای دیگر، آنرا معلول عقب‌ماندگی سیاسی رژیم می‌داند. زیباکلام دراین رابطه از سویی علت و معلول را در هم می‌آمیزد و از سوی دیگر براحتی از کنار مساله "نمایندگی" ، که مستقیما به موضوع مورد تحلیل‌اش مرتبط است، می‌گذرد. شاید بتوان نبود زن، کورد و سنی مذهب در مقام وزارت را معلول عقب‌ماندگی سیاسی جمهوری اسلامی پنداشت، اما "رشد سیاسی" که نه آنرا تعریفی‌کند و نه دامنه‌ی آنرا مشخص می‌کند به تنهایی شرط لافی برای حل مساله مذکور نیست. اگر کشور سوپس را مثال بزنیم، قبل از اینکه به کشوری دموکراتیک بدل شود از طریق فدرالیسم مسئله



ملیت‌های حاضر در مرزهایش را حل و فصل کرد اگر چه حق رای برای زنان تا سال ۱۷۹۱ میلادی به تاخیر افتاد. کشورهای دیگری هم هستند که از لحاظ اقتصادی رشد قابل توجهی دارند، به عنوان مثال سنگاپور، اما کشوری دموکراتیک نیستند یا اگر خود ایران را مثال بزنیم می‌توان ایران دوران حاکمیت پهلوی پیشرفته‌تر از از ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی‌ست چرا که اجحافی که در حق زن می‌شد در قیاس با نظام ولایت فقیه به مراتب کمتر بوده است، البته همانگونه که بیشتر اشاره شد استراتژی دولت ایران و ملت فارس نسبت به ملت کورد با تغییر رژیم دچار هیچ تغییری نشد. از سوی دیگر اگر برگزاری انتخابات را معیاری برای توسعه سیاسی دانست این بار می‌شود گفت که جمهوری اسلامی توسعه یافته‌تر از نظام شاهنشاهی می‌باشد. این موارد موید این امر است که نمی‌توان "توسعه سیاسی" را به بنیادی برای حل مساله مذکور –چه از لحاظ تئوریک و چه سیاسی– قرار داد، به همخاطر بکار بردن مفهوم "نمایندگی"، مبنایی مناسب‌تربرای تفهیم این موضوع وافشاکردن سیاست‌های جمهوری اسلامی می‌باشد. در تئوری سیاسی و علم سیاست، نقطه شروع مباحث نمایندگی است و تفکیک انواع آن که "هانا پیتکین" طی تالیف اثری مهم در سال ۱۹۶۷میلادی آنرا مطرح کرده است. پیتکین به چهار نوع نمایندگی اشاره دارد: نمایندگی رسمی، نمایندگی ساختاری، نمایندگی جوهری، نمایندگی سمبولیک. نوع اول نمایندگی به میناهای قانونی و نهادهای نمایندگی در هر سیستمی ربط دارد. در جمهوری اسلامی قانون و نهادهای نه تنها به صورت سیستماتیک اکثریت مردم ایران –زن‌ها، کردها، آذربایجانی‌ها، بلوچ، عرب، ترکمن ها و سنی‌ها– را از دایره نمایندگی اخراج می‌کنند بلکه به تجمیع قدرت تام در دست ولی فقیه می‌پردازد. به همین خاط در چنین سیستمی، نهادهای و سازمان‌های جمهوریت صوری می‌باشند تا حقیقی. پس در اولین قدم نمایندگی ملتی به مانند ملت کرد یا نمایندگی زنان در ایران با موانع قانونی و نهادی مواجهه می‌شود. هنگامی که به بررسی مسئله نمایندگی در شکل ساختاری –بدین معنا که آیا تعداد نمایندگان یک قشر معین از جامعه در مجلس یا ساختار حکومت به نسبت جمعیت آن قشر متناسب است یا نه –می‌بینیم که در ایران نمایندگان زنان، کوردها و باقی ملیت‌های دیگر غیرفارس و بعلاوه سنی مذهب‌هادر مجلس و دیگر نهادهای حکومتی و نیز در کل ساختار حکومت به نسبت بسیار پائین و یا صفر است. البته این هم به منع قانونی و نهادی "نمایندگی" که آن هم به نوبه خود به منافع ملت فارس و عشیره‌گری جمهوری اسلامی مرتبط است. به نظر هانا پیتکین مهمترین نوع نمایندگی، نمایندگی جوهری است چرا که اگر به عنوان مثال در کشوری معین قرار باشد قانونی در راستای منافع زنان تصویب شوداین نوع

کوردستان

نمایندگی از نمایندگی ساختاری مناسب‌تراست. می توان قشری در جامعه از روی واحدی نمایندگی شود در مجلس و حکومت، اما اگر به نمایندگان آنها برای قانون گذاری و سیاست گذاری در جهت منفعت آن قشر راهی داده نشود پس این یک مرزبندی و یا حتی نبودن نمایندگی محسوب می شود. ضعیف‌ترین یا بدترین نوع نمایندگی، نمایندگی سمبولیک می باشد. به عنوان مثال در کشورهای چند ملیتی پرچم آن کشور می تواند بیان کننده نمادهای ملیت‌های حاضر در آن کشور باشند همچنین می‌تواند شامل نماینده پارلمان و یا وزیری باشد که به صورت سمبولیک نمایندگی قشر مطبوع خود را بر عهده دارد. اگر از نمونه پرچم، که جنبه مثبت نمایندگی سمبولیک است، بگذریم، نمایندگی سمبولیک می‌تواند حربه‌ای باشد برای پنهان کردن نابرابری سیاسی،روابط بالا دست و زیر دست یا به عنوان خوراک تبلیغاتی برای انکار نمایندگی ساختاری و جوهری مورد استفاده قرار گیرد. اگر در باره پیشنهاد زیباکلام بیشتر دقت کنیم متوجه می‌شویم که او هر چند از کنار مبحث نمایندگی براحتی می‌گذرد اما خواهان نمایندگی سمبولیک برای زنان، کورد و سنی‌ها در سیستم جمهوری اسلامی است، در همان حال نمایندگی ساختاری را رد می کند و می‌گوید: "من نمیگویم چونکه شمار زیادی از زنان، سنی‌ها و کوردها به روحانی رای داده‌اند باید در کابینه حکومت شرکت داشته باشند، بلکه نبودن حضور این قشرها در وزارت‌های دولت روحانی نشان دهنده کم و کاستی مدنی و کم بودن سطح رشد سیاسی است" . پس کسی هم مانند زیباکلام که خود درحکومت نیست دیدگاهی ایزاری بهمسئله "نمایندگی" دارد و پیشنهادش که جز نمایندگی سمبولیک که آن هم در راستای منافع جمهوری اسلامی است چیز دیگری نیست، علی‌رقم تضادهای که در بالا اشاره شد تناقض دیگر پیشنهاد زیباکلام در آن است که به این امر اعتراف می‌کند که در جمهوری اسلامی کورد مورد ظلم ساختاری قرار می‌گیرد اما با این وصف نیز به موضوع نمایندگی ساختاری و جوهری نمی‌پردازد. اگر کورد بخواهد در ساختار حاکمیت ایران نمایندگی برای خود اختیار کند باید برای کسب نمایندگی ساختاری و جوهری تلاش کند که این هم به زمینه‌ای مناسب در سطح نمایندگی رسمیکه آنهم نیازمند تغیر رژیم و پایان انکار هویت ملی و توجه به منافع ملت کورداست، دارد. برای اینکه کورد و سایر ملیت‌های غیرفارس بتوانند در ایران نمایندگی جوهری برای خود اختیار کنند لازم است سیستم فیدرالیسم دموکراتیک را پایه گذاری کنند. تا آن زمان مهماست که کورد یاور جمهوری اسلامی نباشد تا از طریق "کورد نماینده" غیاب "نماینده کورد" را پنهان کندتا جمهوری اسلامی نتواند مردم ایران و افکار عمومی جهان رابه "کورد نماینده" فریب دهد.

یک فعال سیاسی-اجتماعی کرمانشانی در گفتگوی اختصاصی با کوردستان:

رژیم با سیاست حذف فیزیکی از بالا و هضم گفتمانی از پایین سعی در نابودی جنبش کوردستان را دارد



مصاحبه: شهرام میرزائی

زیست سیاسی-اجتماعی‌شان به عامل موفقیت توطئه‌های قدرت حاکم در تلاش برای شکست مبارزات یا پیشگیری از گسترش دامنه قیام بدل نشود. در همین راستا و به بهانه‌ی ثبت گویش لکی به عنوان زبان که بیانگر به اوج رسیدن توطئه‌های رژیم فاشیستی مذهبی ایران علیه قیام آزادیخواهی کوردستان است و بقصد بررسی دلایل و علل چنین اقدامی و نیز مشخص کردن کنش متناسب با این دسیسه‌ی نه چندان تازه‌ی حکومت به گفتگویی با یکی از فعالین سیاسی-اجتماعی کرمانشان پرداخته‌ایم که در ادامه‌ی این نوشتار تقدیم حضور خوانندگان روزنامه‌ی کوردستان می‌شود.

رژیم اسلامی در تلاشی مستمر برای ایجاد تفرقه افکنی در کرمانشان میان گویش‌های کوردی و انحراف در مبارزات حق طلبانه کوردها فاز جدیدی از فعالیت‌های توطئه‌گرانه خود را آغاز کرده است، در این راستا میزان آگاهی ما کوردها از دسیسه‌ها چگونه بوده و چه اقداماتی صورت گرفته است؟

در اینجا باید قبل از هر پاسخی تعریفی از آگاهی، کوردها و دسیسه داشته باشیم. بی گمان آگاهی در هر اجتماعی حول محور طیفی از بهرمندی‌ها، محرومیت‌ها و جهان‌بینی خاص شکل می‌گیرد که هویت‌ها، منافع، انگاره‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، اهداف و معانی جمعی پیرامون آن یا تقویت می‌شود و یا ایجاد و رشد می‌یابد. آگاهی خاص کورد را می‌توان انگاره‌های خاصی دانست که پیرامون زبان، هویت، سهم‌خواهی سیاسی، سهم‌خواهی اقتصادی، ایدئولوژی‌های مشخص، شهروندی برابر و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی شکل گرفته و روزبه‌روز تقویت می‌شود. در همین راستا کورد آگاه،

فرد یا جمعیتی مد نظر است که به دنبال عینیت بخشیدن به انگاره‌های خاص خود است. با این تعابیر می‌توان دسیسه را مجموعه اقدامات سخت و نرمی دانست که از سوی حاکمیت تمامیت‌خواه جهت برهم زدن و یا منحرف ساختن آگاهی موجود، صورت می‌گیرد. آگاهی کوردها هرچند که در وضعیتی فراگیر قرار ندارد اما اقشار آگاه جامعه به همت فضای مجازی و برنامه‌های ارتباطی همچون وایبر، واتس‌آپ، تلگرام، فیس‌بوک و حتی دیالوگ‌های مستقیم و تشکیل حلقه‌های فکری، به خوبی توانسته‌اند دسیسه‌ها را تشخیص دهند و در همان راستا افشاکری و آگاهی بخشی نمایند. هرچند که به پشتوانه پول و حمایت سیاسی، عده‌ای سودجو توانسته‌اند مسائلی چون فارسی‌گویی در کرمانشان، جدایی لک‌ها و حتی هورامی‌ها را از خانواده زبان و فرهنگ کوردی و مسائلی از این دست را مطرح سازند، اما از سوی دیگر موج هویت‌خواهی کوردی امروز از مرزهای کرمانشان و ایلام عبور کرده و به شکلی نوپا در خرم‌آباد، همدان و حتی مناطق بختیاری نشین در حال گسترش است.

به نظر شما فعالین کورد در کرمانشان چه باید بکنند تا هم در دام توطئه‌های ضدکوردی نیفتند و هم موجب پیشرفت قیام آزادیخواهی کوردستان شوند؟

پیشتر به بحث مهمی تحت عنوان معنا یا معانی و نیز اقدامات نرم اشاره کردم که در اینجا قصد دارم بیشتر در آن عمیق شوم. در ایران بعد از انقلاب ۵۷، دیسکورس یا گفتمان غالب، یک پا در تفکر رادیکال مذهبی داشت و یک پا در جهان‌بینی ایدئولوژیک و ناقص انقلابی. اگر از زاویه تحلیل گفتمان و حتی چارچوب سازه‌انگارانه به اقدامات و سیاست‌های رژیم حاکم در کوردستان نگاه کنیم

خواهیم دید که در وهله اول، رژیم با واژه‌ها و بار معنایی واژه‌ها به جنگ جنبش و آگاهی کوردها آمده است که عده‌ای را در دام خود گرفتار کرد، کلماتی در ظاهر بی اهمیت اما شکل دهنده نه نوعی گفتمان جدید که خود را در مقابل گفتمان کوردی تعریف می‌کرد، در واقع رژیم‌با هدف یکسان‌سازی انگاره‌ها به انتشار چنین معانی و مفاهیمی دست می‌زاد نه با هدف ایجاد برداشت‌های متفاوت. کلماتی چون: کوردها و لک‌ها، فارسی کرمانشانی، کوردهای غُمَری، پیشمرگ‌های مسلمان، لکستان، تجزیه طلب و اصطلاحاتی از این دست را به عنوان "دال‌های مرکزی" گفتمان خود در مناطق کوردنشین گسترش داده‌اند تا از این طریق گفتمان آگاهی بخش و آزادی‌خواهانه کورد را در تمام مناطق وارد مرحله "از جا شدگی" (Dislocation) نماید. از این رو فعالین کورد در کرمانشان می‌بایست به دور از احساسات، با استفاده از ابزارهای قابل دسترس، فعالیت‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی، محیط زیستی و سیاسی درون گفتمانی کورد را با قوت بیشتری ادامه دهند. به عبارت دیگر همین که در دایره گفتمانی رژیم گرفتار نشوند، توانسته‌اند نیمی از موانع را پشت سر بگذارند. چه بسا فعالین بسیار دلسوزی که گاهی به صورت ناخودآگاه، واژه کورد و لک را جدا از هم بکار می‌برند و پاواژه ساختگی لکستان که چند سالی است نقل دهان روشنفکران لک گشته را مستمرا استعمال می‌کنند بی‌آنکه بدانند در دام گفتمان‌سازی حکومت علیه جنبش کوردستان قرار گرفته‌اند. است. درست بکار بردن واژه‌ها و درک بار معنایی واژه‌ها و حتی آواها، آنچنان مهم است که می‌توان حوزه گفتمان کوردی را وارد مرحله غیریت‌سازی (Antagonism) و سپس

استیلا (Hegemony) نماید که فعالان مدنی و روشنفکران و هنرمندان باید به آن توجه ویژه داشته باشند.

شما به عنوان یک فعال کرمانشانی اقدام اخیر پان ایرانیست‌ها و رژیم ایران را در زبان اعلام کردن لکی، چگونه تحلیل می‌کنید و چرا رژیم سعی دارد از این طریق به مبارزه با جنبش کوردستان بپردازد؟

در گفتار قبلی به این موضوع اشاره کردم. رژیم به یک جنگ روانی عجولانه روی آورده است. یک بُعد از این جنگ روانی، ایجاد تشویش معنایی و فکری در گفتمان رقیب است تا از این طریق یکسانی انگاره‌ای ایجاد نماید. زبان اعلام کردن لکی یک شبه بوجود نیامد و عقبه‌ای ده پانزده ساله دارد. ابتدا آرام آرام واژه لک را پر رنگ کردند، بعد لکستان، سپس استعمال واژه‌های کورد و لک به صورت جدا از هم در جمله و در نهایت تأکید بر زبان بودن گویش لکی. این مسئله تنها دامن‌گیر لک‌ها نخواهد بود بلکه شامل حال فیلی‌هایی که هنوز شناسنامه ندارند، هورامی‌ها، زنگنه، گوران، جاف و کلهر نیز خواهد شد چون نشانه‌های ایجاد تفرقه "ایلی" در میان این گویش‌ها از جانب رژیم به وضوح دیده می‌شود. در حال حاضر با اعلام ثبت گویش لکی به عنوان زبان، بسیاری از روشنفکران کورد با تشویش تمام درگیر پاسخ‌گویی، مقاله نویسی و تومارنویسی شده‌اند و طرف‌های مقابل نیز ذوق زده از این اتفاق به دفاع از زبان بودن لکی پرداختند، بی آنکه هیچکدام بدانند وارد فاز هژمونی یا استیلای گفتمانی رژیم شده‌اند. در واقع رژیم با سیاست حذف فیزیکی از بالا(سران سیاسی و فکری کورد) و هضم گفتمانی از پایین سعی در پراکنده ساختن و نابودی جنبش کوردستان

را دارد که یک نمود آن ثبت گویش لکی به عنوان زبان است. پیشنهاد من این است بجای اینکه آگاهان جامعه درگیر بازی رژیم شوند، بر روی خروجی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خود متمرکز شوند.

به نظر شما،"راسان"به عنوان مقطع جدیدی از مبارزات آزادیخواهی کوردستان چگونه می‌تواند خلا مبارزات فرهنگی و اجتماعی را در کرمانشان پر کند و مانع از بهره‌برداری رژیم و فاشیست‌های پان‌ایرانیستی از این خلا شود؟

بنده "راسان" را حرکت و اندیشه‌ای بسیار مهم و کارساز می‌بینم اما این حرکت ملزوماتی دارد که خدمتتان عرض می‌کنم. هر حرکتی با تمام پشتوانه‌های معنوی‌اش، نیازمند یک یا چند رسانه قوی، هماهنگ و حرفه‌ای است تا بتواند معانی و ارزش‌ها و هنجارهای اصیل و مشترک را تقویت و منتقل کند. از طرف دیگر تمام جریانات و احزاب کوردی در مقطع حساس کنونی باید هم‌صدایی، هماهنگی و همگرایی صددرصدی خود را نه تنها به مردم خود بلکه به دشمنان خود نیز نشان دهند که طی یک کنگره می‌توان بیانیه اتحاد خود را به گوش رژیم برسانند. بخش اعظم خلأ کنونی که رژیم بر روی آن سوار است، ناشی از واگرایی فکری و ایدئولوژیکی احزاب کوردی و عدم برنامه واحد و مشترک آن‌هاست. مقطع کنونی بهترین زمان برای همگرایی احزاب کورد است که می‌تواند مسیر رسیدن به آزادی و حقوق ملت کورد را کوتاه تر و هموار تر کند. راسان باید بتواند با پتانسیل فکری-عملی که دارد، به محوریت اجتماع دیگر احزاب و جریانات کوردی گرد هم بدل شود، در این صورت مردم هوشمندانه‌تر و مؤثرتر در کنار راسان قرار خواهند گرفت.

والدین رامین حسین پناهی

مورد تهدید

اطلاعات سندج واقع شدند

به مرحله ی عمل نرسید.در واقع بار دیگر نظام اسلامی از سیاست همیشگی گروگان کشی استفاده نموده تا والدین یا به سن گذاشته و داغدارمان را مجبور به اقرار دروغین نمایند. خانواده حسین پناهی از تمامی نهادها، سازمان ها و فعالین حقوق بشری می خواهند تا با فشار بر دولت و حاکمیت جمهوری اسلامی از مرگ عمدی و یا سهوی رامین حسین پناهی مانعت به عمل آورند. رامین حسین پناهی، روز جمعه دوم تیرماه، طی درگیری با نیروهای سپاه پاسداران در سندج به شدت مجروح و توسط نیروهای سپاه بازداشت و پیش از تکمیل مراحل درمانی از بیمارستان سندج به بازداشتگاه سپاه منتقل شده بود. پس از بازداشت رامین حسین پناهی، نیروهای امنیتی اقدام به بازداشت اعضای خانواده حسین پناهی کردند.

او را به اطلاع عموم رسانند. گفته می شود، نیروهای اطلاعاتی پس از ضبط این ویدیو به والدین رامین وعده داده اند که اجازه ملاقات با وی را خواهند داشت. خانواده حسین پناهی با انتشار بیانیه ای این اقدام اطلاعات سندج را "غیرانسانی و غیراخلاقی و مغایر با تمامی موازین بشری" اعلام کرده اند. در این بیانیه آمده، والدین مان را از طریق تهدید به اعدام خودسرانه و مخفیانه ی رامین و افشین مجبور ساختند تا به سبک اعترافات مشمژکننده ی دهه ی ۶۰ و ۷۰ در یک ویدئوی کوتاه با کتمان واقعیت خبر اعصاب افشین را تکذیب نمایند، آنچه در این میان نشان دهنده ی سقوط همه ی مبانی اخلاقی نزد حاکمان جمهوری اسلامیست تنظیم رپاکارانه ی پدر و مادر پیرمان با قول صدور مجوز جهت ملاقات والدین است، قولی که البته هرگز

آژانس کُردپا: ستاد خبری اداره اطلاعات سندج والدین رامین حسین پناهی را احضار و آنان را ناچار به ضبط یک ویدیو کوتاه کرده اند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبررسانی کُردپا، روز دوشنبه نهم مردادماه، والدین رامین حسین پناهی به ستاد خبری اداره اطلاعات سندج احضار شدند. امجد حسین پناهی، فعال حقوق بشر کُرد در این باره به آژانس کُردپا گفت: نیروهای اطلاعاتی والدین ما را با تهدید به بازداشت همه ی اعضای خانواده و اعدام افشین و رامین تحت فشارهای روانی قرار داده اند تا از این طریق آنها را ناچار به ضبط یک ویدیو کوتاه نمایند. این فعال حقوق بشر کُرد می گوید: به والدین ما توصیه شده بود که در این ویدیو وضعیت مناسب جسمانی افشین و تکذیب خبر اعتصاب

عفو بین الملل: ایران تلاش دارد

مدافعان حقوق بشر را با اطلاق عنوان

"معاندان حکومت" تخریب کند



مثل مجرم رفتار می کنند." این سازمان حقوق بشری ضمن اشاره به از سرگیری گفتگوهای حقوق بشری میان اتحادیه اروپا و ایران از این اتحادیه خواسته است تا تعقیب و آزار قضایی مدافعان حقوق بشر در ایران را به شدت محکوم و به آن اعتراض کند. مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین الملل تأکید کرده است که اتحادیه اروپا نباید در برابر ظلم آشکار در حق مدافعان حقوق بشر سکوت نماید و باید از مقامات ایران بخواهد به سوء استفاده از نظام قضایی برای خاموش کردن صدای فعالان پایان دهد. در گزارش جدید عفو بین الملل آمده، طی چهار سال گذشته، مقامات قضایی ایران مدت حبس برای مجازات مدافعان حقوق بشر را به شدت افزایش داده اند. کمپین جهانی سازمان عفو بین الملل با عنوان "شجاع" خواستار پایان دادن به سرکوب تمامی کسانی است که در سرتاسر دنیا در راستای دفاع از حقوق بشر فعالیت می کنند.

نظیر "جاسوس" و "خائن" توسط رسانه های حکومتی از آن ها یاد می شود، با اتهامات واهی مرتبط با "امنیت ملی" محاکمه و زندانی شده اند. این وضعیت امیدها برای اصلاح و بهبود وضعیت حقوق بشر، که از وعده های حسن روحانی در طول کارزار انتخاباتی اش در سال ۱۳۹۲ حاصل آمده بود را تیره و تار کرده است. در حال حاضر بعضی از فعالان به دلیل فعالیت های کاملاً مسالمت آمیز از جمله ارتباط با سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سازمان های حقوق بشری نظیر سازمان عفو بین الملل، به بیش از ۱۰ سال زندان محکوم شده اند. فیلیپ لوتر، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان عفو بین الملل، در این رابطه عنوان کرده است: "طنز تلخی وجود دارد در این نکته که مقامات ایرانی به افزایش ارتباط و همکاری خود با سازمان ملل و اتحادیه اروپا، به خصوص در دوران پس از توافق هسته ای، می بالند، اما با مدافعان حقوق بشر دقیقاً به خاطر ارتباط با همین نهادها

آژانس کُردپا: سازمان عفو بین الملل اعلام کرد قوه قضاییه و نهادهای امنیتی از زمان روی کار آمدن حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ ضمن هتک حرمت مدافعان حقوق بشر اقدام به افزایش فشارها و دستگیری و بازداشت ده ها تن کرده اند. سازمان عفو بین الملل در گزارش تازه ای با عنوان "گرفتار در گرداب سرکوب: مدافعان حقوق بشر زیر آماج حمله در ایران" که روز چهارشنبه ۱۱ مرداد منتشر کرد از تشدید سرکوب و رفتارهای خصمانه با مدافعانی که برای دفاع از حقوق مردم تن به خطر می دهند، خبر داد. این سازمان اعلام کرده است که قوه قضاییه و نهادهای امنیتی از زمان روی کار آمدن حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ ضمن هتک حرمت مدافعان حقوق بشر اقدام به افزایش فشارها و دستگیری و بازداشت ده ها تن کرده اند. گزارش جدید عفو بین الملل نشان می دهد که چگونه بسیاری از مدافعان حقوق بشر، که اغلب با عناوینی

یک شهروند اشنویه ای به اتهام "امنیتی"

به سه سال حبس محکوم گردید

سیاسی نیز به اعدام محکوم شده است. (۴ دانشجو، ۲ فعال مدنی، ۲ معلم، ۱ فعال سنی مذهب و ۳ زندانی سیاسی در میان این محکومین می باشند). تمام این افراد به اتهاماتی نظیر "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" متهم شده اند. در میان این افراد ۲۵ تن احکام بالای ۱۰ سال تا ۲۵ سال حبس داشته اند. همچنین این آمار شامل ۹ زن نیز می باشد.

شهروند کُرد از سوی دادگاه انقلاب اشنویه به "همکاری با احزاب کُرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران" متهم شده است. براساس آمار ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبررسانی کُردپا در سال ۹۵، ۱۱۹ تن از شهروندان کُرد با اتهامات سیاسی "امنیتی"، توسط دادگاه های انقلاب حکومت اسلامی ایران به ۴۰۹ سال و ۱۱ ماه و ۵ روز زندان تعزیری، ۱۱ سال و ۱۱ روز زندان تعلیقی، ۹۴ ضربه شلاق و ۱۷ زندانی

آژانس کُردپا: دستگاه قضایی حکومت ایران در شهرستان اشنویه یک شهروند کُرد را به سه سال زندان محکوم کرد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبررسانی کُردپا، دادگاه انقلاب اشنویه حکم سه سال حبس را برای یک شهروند کُرد صادر کرد. خبرنگار کُردپا در اشنویه هویت این شهروند کُرد را "سید شهاب حسینی" اهل روستای "بیژاوه" از توابع اشنویه اعلام نمود. به گفته یک منبع آگاه، این

این زندانی سیاسی کُرد دو روز قبل جهت اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شده بود. بهمن ماه سال ۹۲، دادگاه انقلاب سندج مرتضی رحمانی را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران" به سه سال زندان و سه بار اعدام محکوم کرده بود. این زندانی سیاسی کرد اهل روستای "تیلکو" از توابع کامیاران سال ۱۳۹۰ از سوی نیروهای اطلاعاتی وابسته به اداره اطلاعات این شهرستان به اتهام "همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت ایران" بازداشت شده بود. این زندانی سیاسی در طول دوران حبس بارها توسط نیروهای اطلاعاتی مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته بود.

انقلاب سقر معرفی نمایند. به گفته یک منبع آگاه، این فعالان به "تبلیغ علیه نظام" متهم شده اند. این شش فعال مدنی پس از برگزاری مراسم نوروز در روستای "آیچی" از توابع سقر به نهادهای امنیتی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بودند. طی چند ماه گذشته، اداره ی اطلاعات سقر فشار بر این فعالان مدنی را افزایش داده است. یک زندانی سیاسی کُرد در زندان سندج اعدام شد آژانس کُردپا: یک زندانی سیاسی کرد اهل کامیاران در زندان مرکزی سندج اعدام گردید. براساس گزارش رسیده به آژانس خبررسانی کُردپا، سحرگاه امروز چهارشنبه یازدهم مردادماه، مسئولان زندان مرکزی سندج حکم اعدام مرتضی رحمانی، زندانی سیاسی کُرد را به اجرا در آوردند.

آژانس کُردپا: دستگاه قضایی حکومت ایران در سقر شش فعال مدنی این شهرستان را احضار کرد. براساس گزارش رسیده به آژانس خبررسانی کُردپا، دادگاه انقلاب سقر با ارسال احضاریه کتبی برای شش فعال مدنی این شهرستان، آنان را احضار کرد. خبرنگار کُردپا در سقر هویت فعالان مدنی احضار شده را به ترتیب ذیل اعلام کرد: سلیمان عبدی، فعال مدنی و دبیر هنرستان های فنی و حرفه ای سقر محمدعابدی، دبیر هنرمدارس سقر سیدعلی حسینی، دبیر زبان انگلیسی مدارس سقر ملاحسن محمودی، امام جمعه روستای "کانی نیاز" سقر قریشی لقمان حسن سلیمی آزاد این فعالان باید هفتم مردادماه خود را به دادگاه

احضار شش تن از فعالان مدنی سقر

به دادگاه

